فهرست

[اشاره: 2](#_Toc29902877)

[طایفه ثانیه 2](#_Toc29902878)

[آیه اول: 2](#_Toc29902879)

[آیه دوم: 2](#_Toc29902880)

[آیه سوم: 4](#_Toc29902881)

[آیه چهارم: 4](#_Toc29902882)

[آیه پنجم: 5](#_Toc29902883)

[آیه ششم: 5](#_Toc29902884)

[آیه هفتم: 6](#_Toc29902885)

[مطلب اول: 6](#_Toc29902886)

[مطلب دوم 6](#_Toc29902887)

[مطلب سوم 6](#_Toc29902888)

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / حب و بغض

## اشاره

در مباحث مربوط به محبت یک فصل در باب محبت بین مسلمانان و مؤمنان بود به آیات و روایاتی تمسک کردیم ابعاد مسئله مشخص شد. مسئله دوم درباره ود و محبت با کفار بود. در این مبحث عرض کردیم که آیات را ابتدا بررسی کنیم و قریب سی آیه می‌توانست با موضوع محبت و مودت با غیرمسلمانان و کفار مرتبط باشد. این آیات به طوایفی تقسیم می‌شد در طایفه اول آیاتی که در آن اتخاذ الکافر ولیا بررسی کردیم این گروه اول بود. حدود 9 آیه بود که این تعبیر اتخاذ الکافرین اولیاء در آنها وارد شده بود. این طایفه دو سه نکته در آن بود و جمع‌بندی شد به اینکه این‌ها منع از صرف المحبه القلبیه نمی‌کند و منع از فقط اتخاذ آن‌ها به‌عنوان سرپرست نمی‌کند بلکه معنایی بین این دو احتمالاً مقصد بود؛ و آن معنا این است که ارتباط محبت‌آمیزی که به نحوی راه برای نفوذ و این طور چیزها باز کند. این یک مطلب که در میان معانی اولیاء معنای میانه‌ای قرینه داشت و می‌شد انتخاب کرد. نکته دیگر اینکه این آیات مقید می‌شد به کفاری که به نحوی در مقام تقابل و منازعه‌اند ولی جایی که منازعه‌ای نیست این آیات منصرف بود به دلیل آیه‌ای که تقیید می‌کرد. این دو نکته اساسی بود که جمع‌بندی شد.

# طایفه ثانیه

می‌پردازیم به طایفه ثانیه که باز هم مفهوم ولایت آمده ولی تعبیر اتخاذ الکافر ولیا نیست بلکه تولی کفار است. این آیات تقریباً 9 یا ده آیه داریم که تعبیر تولی آمده است. لذا در بیان جدایی آمده است

## آیه اول:

**﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَما يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ﴾**[[1]](#footnote-1)

این آیه اولی است که تولی دارد و نهی از تولی کفار می‌کند و می‌گوید کفار را یار یا همراه یا سرپرست نگیرید. گروهی که خدا به آنها غضب کرده را ولی نگیرید. در این آیه نهی بود ظهور در حرمت دارد به خاطر صیغه نهی.

## آیه دوم:

**﴿أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ تَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ما هُمْ مِنْكُمْ وَ لا مِنْهُمْ وَ يَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ﴾**[[2]](#footnote-2)

این آیه نهی ندارد ولی توبیخی دارد که کمتر از نهی نیست. ادامه نکاتی دارد که لازم نیست بپردازیم.

سؤال: احتمال اینکه این **﴿قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾** با کفار عموم خصوص من وجه باشد هست؟

جواب: عرض می‌کنیم

ادامه اش هم این آیات است.

**﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذاباً شَديداً إِنَّهُمْ ساءَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ \* اتَّخَذُوا أَيْمانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذابٌ مُهينٌ﴾**[[3]](#footnote-3)

این آیات درباره منافقین است و این لحن خطاب‌آمیز دال بر این است که حرمت را افاده می‌کند. البته **﴿اتَّخَذُوا أَيْمانَهُمْ جُنَّةً﴾** دو احتمال دارد یکی درباره منافقان باشد که دلالت بر حرمت قوی می‌شود یکی هم اینکه مربوط به **﴿قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾** باشد که ضعیف است. احتمال اول اقواست و طبق این احتمال چون وعده عذاب به منافقان داده شده احتمال حرمت قوی می‌شود.

در این دو آیه شریفه که نهی یا صراحتاً یا التزاماً وجود داشت متعلق تولی، قوما غضب الله علیهم است. در این قوما غضب الله چند احتمال وجود دارد که کیان‌اند؟

1. یکی اینکه مقصود یهود باشند بنابر آنچه در روایات ذیل سوره فاتحه آمده که المغضوب علیهم گفته شده یهود و بنی‌اسرائیل‌اند.
2. اینکه یعنی مطلق کفار که مغضوب علیهم هستند. شواهدی از آیات و روایات هم شاید داشته باشد همین‌که کسی شرک را انتخاب کرد باعث غضب الهی می‌شود. نفس کفر موجب جلب غضب الهی می‌شود. این هم دور از شواهد و قرائن هم نیست
3. غضب خاص مقصود باشد نه قوم خاص که احتمال اول بود نه مطلق کفار که احتمال دوم بود بلکه گروه خاصی از کفار که غضب خاصی به آن‌ها متوجه شده و آن‌هایی هستند که درصدد معارضه و تقابل با مؤمنان‌اند.
4. حتی اعم از کفار هم باشد شامل فجار و فساق و مرتکبان جرائم و کبائر هم بشود که مغضوب خدا می‌شود.

شاید بشود گفت شواهدی که در این دو آیه وجود دارد این است که احتمال چهارم که نیست شامل غیر کفار نمی‌شود مغضوب کسی است که اعتقاد به خدا و اصول دین ندارد و جزء کفار به شمار می‌آید فوقش منافق اعتقادی را هم می‌گیرد اما مسلمانان را ضعیف است بگیرد.

سؤال: خود آیات قرینه خاصی ندارند؟ صرف اطلاق مغضوب شاید درجاتی از فسق را بگیرد.

جواب: قرینه در این آیات خصوصاً در مجادله بیشتر مرزبندی کافر و مسلمان را بیان می‌کند و اینکه گروهی از منافقان تمایل به آن‌ها دارند و شأن نزولش هم همین مسئله است که منافقینی که با کفار طرح دوستی می‌ریختند از این جهت احتمال چهارم ضعیف‌تر است.

برای ما احتمال این که یهود باشد یا مطلقاً باشد و غیر یهود از کفار هم شامل بشود به نظر می‌رسد اطلاق دارد یعنی همه غیرمسلمان و کفار را شامل می‌شود. حتی اگر مقصود یهود باشد الغای خصوصیت می‌شود با مشرک یا کافری که مقابل اسلام‌اند. بعید نیست بگوییم مطلق کفار مقصود است؛ و اما مطلق کفار با آیه سوره ممتحنه مقید می‌شود و شامل فقط کفار معارض می‌شود. لذا اولی و اظهر احتمال دوم یعنی مطلق کفار است. در بعضی آیات و روایات هم که وارد شده مقصود از مغضوب علیه یهودند اولاً شاید فقط در همان سوره فاتحه باشد که در مغضوب مقابل ضال است ثانیاً شاید در همان‌جا هم منحصر در یهود نباشد شاه فردش یهود باشد. پس اینجا ملاک همان کفر است شاهدش اینکه لا یتخذ المومنون الکافرین اولیاء دارد.

این دو آیه.

سؤال: تخصیص معنایش این است که تولی با اتخاذ ولی یکی باشد

جواب: بحث می‌کنیم

## آیه سوم:

**﴿إِنَّما يَنْهاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ وَ ظاهَرُوا عَلى‏ إِخْراجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾**[[4]](#footnote-4)

ان تولوهم بدل یا عطف بیان از **﴿الَّذينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ﴾**. پس نهی الهی از تولی این افراد است؛ که ان تولوا هم متعلق نهی قرار گرفته است. به لحاظ مدلول و حکم روشن است حکمش حرمت است. منتها در آیه اول حرمت را از صیغه نهی استفاده کردیم در دومی از وعده عذاب استفاده کردیم در این آیه از ماده نهی استفاده می‌کنیم ینهاکم الله ان تولوهم ماده نهی هم مثل صیغه دال بر حرمت است. پس هر سه آیه دال بر حرمت است.

ادامه دارد که **﴿وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾** که تأکید دلالت حرمت است. متعلق این آیه محدودتر از دو آیه قبل است. این آیه عنوانش این است که **﴿الَّذينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ﴾** یعنی کفاری که در مقام معارضه هستند طبعاً این آیه مقید آیات قبل و بعدی که ذکر می‌شود می‌باشد. پس مقید هم طایفه اول است هم این آیات بلکه تقیید این آیات را قوی‌تر دارد چون تعبیر تولی دارند. نکته بعدی اینکه قاتلوکم فی الدین موضوعیت دارد نه اخراج و بقیه عناوین

## آیه چهارم:

**﴿وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾**[[5]](#footnote-5)

ذیل همین آیه قبل بود که مستقلاً دال بر حرمت است

## آیه پنجم:

**﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصارى‏ أَوْلِياءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْضٍ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمينَ﴾**[[6]](#footnote-6)

ذیلش من یتولهم دارد. این آیه متعلق افاده حرمت می‌کند چون می‌گوید فانه منهم و بعد می‌گوید ان الله لا یهدی القوم الظالمین ظهور در حرمت دارد.

نکته‌ای که هست که می‌گوید تولی با اتخاذ الکافر اولیاء فرقی ندارد. ممکن است ابتدا به ذهن بیاید که این دو فرق دارد ولی ظاهر آیه این است که فرقی ندارد. بعد تمام شدن آیات راجع به تفاوت تولی و اتخاذ احتمالاتی ذکر می‌کنیم ولی این آیه نوعی دلالت دارد که تفاوتی ندارند.

سؤال: این نمی‌تواند مفسر من غضب الله باشد که هم یهود هم نصاری می‌شود؟

جواب: ممکن است که این شاهد باشد که احتمال دوم از چهارم احتمال را می‌گوید و مطلق کفار را می‌گوید.

## آیه ششم:

**﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا آباءَكُمْ وَ إِخْوانَكُمْ أَوْلِياءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإيمانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾**[[7]](#footnote-7)

این آیه هم مثل قبل است که تولی بعد اتخاذ الکافر اولیاء آمده است.

## آیه هفتم:

**﴿تَرى‏ كَثيراً مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ﴾**‏[[8]](#footnote-8)

این آیه تفاوت با آیات دیگر دارد دنباله‌اش دارد:

**﴿وَ لَوْ كانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِياءَ وَ لكِنَّ كَثيراً مِنْهُمْ فاسِقُونَ﴾[[9]](#footnote-9)** (81)

می‌گوید در شرایطی که آن دین دین حق بود حق نداشتند بقیه را اولیاء بگیرند. قاعده کلی به دست می‌آید هر دینی که دین حق بود صاحبان آن نباید کافران به آن دین را تولی بکنند. این‌ها کسانی بودند که فرض اینکه دینشان حق باشد غیر همدین خودشان را دوست انتخاب می‌کردند. چون وعده عذاب دارد که نشان می‌دهد این تولی حرام است.

## مطلب اول:

این هفت آیه که تولی دارد. این آیات عمدتاً مفید نهی بودند یا به صیغه یا ماده نهی یا اینکه با وعده عذاب. یکی از این سه بیان این هفت آیه مفید حرمت تولی بودند.

## مطلب دوم

اینکه این آیات برخی مطلق بودند اما همه مطلقات مثل آیات قبل مقید به سوره ممتحنه می‌شود این تولی ولو در چند آیه مطلقاً نهی شده اما با حصری که مطلق آمده در آیه 8 و 9 یا آن آیه قبلش که **﴿لا يَنْهاكُمُ اللَّهُ ... أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِم﴾**‏ آن دو آیه، هم حصری که آمده که اهمیت بالایی دارد هم آیه قبلش مقید مجموعه آیات تولی و اتخاذ می‌شوند و می‌گویند تولی و اتخاذ غیرمسلمان به‌عنوان اولیاء مربوط به جایی است که در معارضه با شما هستند و آیات قبل را مقید می‌کنند.

## مطلب سوم

 اینکه تولی با اتخاذ الکافر ولیا فرق دارد یا ندارد ممکن است کسی احتمال بدهد که اتخاذ الکافر ولیا در حقیقت مفهوم آکدی است و مقصود از آن درجه بالاتری از رابطه دوستی و محبت و هم‌پیمانی است و تولی یک درجه نازل‌تری از آن رابطه و پیوند دوستی است؛ اما علی‌رغم اینکه در ابتدا هم این احتمال مقداری قوی به ذهن می‌رسد اما با توجه به آیاتی که ملاحظه کردید تولی ذیل لا یتخذ الکافرین اولیاء آمده بود اتخاذ کفار اولیاء را نکنید بعد کسی که بکند فلان. معلوم می‌شود تولی همان اتخاذ الکافر اولیاء است. ممکن است کسی بگوید اتخاذ الکافر اولیاء درجه راقی‌تر را می‌گوید و تولی به‌عنوان تعلیل قبل بگوید. پس احتمال اول این است که اتخاذ درجه بالاتر است تولی پایین‌تر است احتمال دوم اینکه یکی است شاهدش هم اینکه تولی تتمه اتخاذ آمده است احتمال دوم اولاست گرچه ممکن است کسی بگوید نه با این بیان که کبرایی که بر آن صغری مترتب می‌شود ممکن است دایره عام‌تر باشد من یتخذ درجه راقی‌تر می‌گوید من یتولهم درجه عام‌تر می‌گوید این می‌شود اما بیشتر به ذهن می‌آید که یکی باشند.

1. ممتحنه 13 [↑](#footnote-ref-1)
2. مجادله 14 [↑](#footnote-ref-2)
3. مجادله 15 و 16 [↑](#footnote-ref-3)
4. ممتحنه 9 [↑](#footnote-ref-4)
5. . ممتحنه/9. [↑](#footnote-ref-5)
6. مائده/ 51. [↑](#footnote-ref-6)
7. توبه /23. [↑](#footnote-ref-7)
8. مائده /80. [↑](#footnote-ref-8)
9. . مائده/ 81. [↑](#footnote-ref-9)